دریچه

تغییر استانداران؛ ارتقا یا رفع تکلیف

یادداشت اختصاصی

علی باقری
مدیرکل سیاسی وزارت کشور در دولت اصلاحات

استانداران به عنوان نمایندگان عالی دولت و به تعبیری حاکمیت در استان‌ها، هم به لحاظ اثر وضعیت و تأثیرگذاری در چگونگی جریان یافتن امور جاری مناطق مختلف کشور و هم به جهت تأثیر سیاسی و روانی‌ای که می‌توانند در فضای عمومی کشور از خود برجای بگذارند، از مهمترین رده‌های مدیریتی کشور محسوب می‌شوند.

با پایان انتخابات اخیر ریاست‌جمهوری، درحالی که بسیاری از فشارها و محدودیت‌های پیدا و پنهان بر مدیریت اجرایی کشور همچنان پابرجا مانده و در پاره‌ای از زمینه‌ها افزایش یافته بود، به جهت پیروزی در انتخابات حماسی ۲۹ اردیبهشت‌ماه با فاصله آرای قابل توجه و معنی‌دار از رقیب اصلی و همچنین نوع گفتار و برنامه‌های ارائه‌شده از جانب رئیس‌جمهور در جریان تبلیغات انتخاباتی، در کنار شکل‌گیری مجلس دهم با ترکیبی نسبتا معتدل، توقعات جامعه درخصوص ترکیب تیم اصلی مدیریتی کشور، از جمله استانداران به شدت بالا رفت. این درحالی بود که توقعاتی از این دست در دولت اول آقای روحانی، با توجه به روندها و فشارهای باقی‌مانده از ۸ سال حاکمیت دولت‌های نهم و دهم، مجلس تقریباً یکپارچه اصولگرای نهم و عدم قاطعیت آرای رئیس‌جمهور منتخب، در نگاه کمتر فرد و جریان منصفی وجود داشت.

اکنون با گذشت بیش از دو ماه از استقرار دولت دوازدهم، ۲۱ انتصاب جدید در رده استانداران کشور انجام شده است که براساس اخبار موجود، این عدد احتمالا تا ۲۶ نیز افزایش خواهد یافت. این آمار در تغییر استانداران، تا همین‌جا نیز برای دولت دوم یک رئیس‌جمهور، یک رکورد به حساب می‌آید، رکوردی که می‌تواند منطقاً حاکی از عدم رضایت عمومی رئیس‌جمهور از برآیند عملکرد مسئولین اجرایی کشور در این حوزه و تعیین تکلیف برای دستگاه مربوط برای اصلاح وضعیت باشد. در این میان موضوع قابل بررسی می‌تواند توجه به کارنامه دستگاه مربوط، وزارت کشور، به عنوان مؤثرترین حلقه از زنجیره تغییر استانداران و واکاوی این مهم باشد که وزارت کشور با رقم زدن این فراوانی و رکورد کمی در تغییرات، آیا پیام‌آور جهت‌گیری کیفی، مدیریتی و سیاسی جدید و معناداری نیز بوده است یا خیر؟

در این ارتباط نکاتی به شرح ذیل می‌تواند مورد توجه قرار گیرد:

۱ـ ظاهراً «غیربومی بودن» یکی از اصول مدنظر وزارت کشور در انتخاب استانداران بوده است. بدین‌ترتیب به غیر از یک یا دو استاندار، بقیه منتخبین، بومی مناطق تحت مسئولیت خود نیستند. این درحالی است که در ادوار گذشته، یکی از ملاک‌های برگزیدن استاندار، بومی بودن وی بوده است. حال باید از وزارت کشور سوال کرد که براساس چه مبانی کارشناسی‌ای به این رهیافت رسیده است؟ نگارنده تردیدی ندارد که بومی‌گرایی افراطی می‌تواند یکی از موانع جدی شایسته‌سالاری و نگاه معطوف به منافع ملی و از طرفی رواج‌دهنده خویشاوندسالاری و در استان‌های دارای تنوع قومیتی، دردسرساز باشد. اما به همین میزان، اصرار بر «غیربومی‌گزینی» نیز می‌تواند راهبردی بلاوجه و دربردارنده برخی آسیب‌های قابل توجه همچون از دست رفتن مقبولیت منطقه‌ای، تضعیف اعتماد به دولت و واگرایی و عدم همکاری کامل با مدیریت استان باشد.

۲ـ از ۲۱ استاندار تازه منصوب‌شده، ۹ نفر آنان، معادل ۴۳درصد، از استانی دیگر به استانی جدید منتقل شده‌اند. در این زمینه سوال مقدر آن است که افراد جابه‌جا شده اگر در مسئولیت گذشته خود موفق بوده‌اند با چه منطقی جابه‌جا می‌شوند و اگر ناموفق بوده‌اند چرا آزموده‌ای را دوباره می‌آزماییم؟ خاصه آنکه در تغییرات رخ‌داده مواردی وجود دارد که تغییر به وجود آمده، مزیت اصلی انتخاب استاندار را که با توجه به ویژگی‌های حوزه جغرافیایی مسئولیتش افزایش یافته بود، به کلی کاهش داده است. (جابه‌جایی استاندار سابق کردستان)

۳ـ از ۱۲ استاندار جدید منصوب‌شده، به غیر از موارد جابه‌جایی، ۵ نفر آنان، معادل ۴۴درصد، فاقد کمترین سابقه وزارت کشوری و حتی تجارب مرتبط مدیریتی و یا سابقه مدیریتی سطح بالا هستند. این درحالی است که با گذشت نزدیک به ۴۰ سال از پیروزی انقلاب اسلامی، یافتن مدیرانی مجرب با سوابق خدمتی مرتبط به هیچ وجه کار دشواری نیست.

۴ـ سوابق اجرایی و مدیریتی ۲۱ استاندار منصوب‌شده در مقایسه با همتایانشان در دولت یازدهم، نشان‌دهنده آن است که به جز یک مورد که انتخاب چهره‌ای ملی، فاصله کیفی مثبت زیادی با گذشته ایجاد کرده است (استاندار جدید اصفهان) تغییرات کنونی در خوشبینانه‌ترین حالت، بیانگر هیچ‌گونه ارتقای معنی‌دار و کیفی مدیریتی نیستند. در این ارتباط باید توجه کرد، هر جابه‌جایی در مدیریت عالی استان، هزینه قابل توجهی را اعم از مدت‌ها بلاتکلیفی، تغییر طیف وسیعی از مدیران، نیاز به وقتی نسبتاً طولانی برای ایجاد شناخت نسبت به استان جدید و ... به دنبال دارد. بنابراین اساساً و صرفاً وجود دلایل قوی، می‌تواند توجیه‌کننده تغییر باشد.

۵ـ میزان درک و تحلیل سیاسی استانداران جدید و همچنین جهت‌گیری سیاسی آنان به یقین یکی از مهمترین سنجه‌های ارزیابی است. همان موضوعی که شاید مهمترین مطالبه رئیس‌جمهور و ۲۴میلیون رأی‌دهنده به ایشان نیز باشد که استانداران دولت، با حفظ اعتدال، در دفاع از سیاست‌ها و برنامه‌های اعلامی دولت، دچار لکنت و ترس نبوده و با صداقت و استواری حامی آن باشند. در این ارتباط نیز مع‌الاسف بررسی سوابق سیاسی مدیران عالی جدید استانداری‌های کشور، نشان‌دهنده آن است که تغییرات فعلی در این جهت نیز پیام روشن و معنی‌داری نمی‌رساند. بنابراین به‌نظر می‌رسد تغییرات رخ‌داده در حوزه استانداران کشور، علی‌رغم کمیت بالا و هزینه‌های قهری که از این منظر برای نظام مدیریتی کشور به دنبال دارد، به لحاظ محتوایی و جهت‌گیری، تاکنون تأثیر قابل توجهی را القا نکرده است.

گزارش

«جامعه فردا» تغییرات استانداران در دولت دوازدهم را بررسی کرد

تاکتیک «جابه‌جایی» به جای «تغییر»

اعظم ویسمه
روزنامه‌نگار

استانداران در دولت دوازدهم «تغییر» نمی‌کنند؛ از استانی به استان دیگر می‌روند. «وزارت کشور بی‌تفاوت به انتقادات، سیاست جابه‌جایی استانداران به جای تغییر» را پیش می‌برد. با معرفی چهار استاندار اصفهان، یزد، اردبیل و مازندران ۲۱ استاندار دولت دوازدهم نهایی شده‌اند. بدین ترتیب نه‌تنها وزیر کشور دولت اول روحانی باقی ماند، که اکثر استانداران نیز همچنان حضوردارند و فقط با یک جابه‌جایی، چمدان بسته و راهی استان‌های دیگر شده‌اند.

گرچه در دور دوم ریاست‌جمهوری حسن روحانی، تصور می‌شد باتوجه به انتقاداتی که او درخصوص عملکرد وزارت کشور در برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری مطرح کرد وزیر کشور تغییر کند، اما این اتفاق علی‌رغم انتقادات بسیار، رخ نداد و مجددا رحمانی فضلی به مجلس معرفی شد. گزینه‌ای که او را سهم رئیس‌مجلس و فراکسیون تحت مدیریت او در مجلس دانستند.

از سوی دیگر در همان روزهای نخست دولت دوازدهم، حسن روحانی انتقادات جدی‌ای را به عملکرد برخی از مدیران خود مطرح کرد که به اعتقاد بسیاری به عملکرد استانداران در دولت اول او برمی‌گشت، روحانی در ضیافت افطاری با استانداران گفته بود: «همه زحمت کشیدند، اما همه هم یک جور نبودند، مختلف بودند. بعضی‌ها با همه توان آمدند. ما روستایی هستیم. به قولی بعضی‌ها گیوه را برکشیدند و به میدان آمدند. آستین‌ها را بالا زدند و به میدان آمدند؛ اما بعضی‌ها پاشنه گیوه‌شان خوابیده بود و برنکشیدند؛ لخ لخ کردند. یک مقدار راه آمدند و مسیر را آمدند و زحمت کشیدند؛ سعی آنان مشکور! یک عده وقتی به دولت حمله می‌شد، با همه قدرت آمدند و دفاع کردند؛ با همه وجودشان دفاع کردند. بعضی‌ها سخت‌شان بود دفاع کنند؛ خیلی نرم حرف می‌زدند و آرام. اگر در تنگنای ۳۰ خبرنگار قرار می‌گرفتند، در آن تنگنا یک کلمه‌ای می‌فرمودند. حرف نمی‌زدند و سینه‌سپر نمی‌کردند. نمی‌شود؛ ما یک بار سنگینی بر دوش داریم.»

بسیاری این انتقادات را متوجه عملکرد استانداران دانستند. در اما بر همان پاشنه دولت قبل چرخید و تغییر آنچنانی در استانداران ایجاد نشد. شگفت‌انگیزترین جابه‌جایی زمانی رخ داد که محمدحسین مقیمی از سمت قائم‌مقامی وزیر کشور به استانداری تهران رفت و سیدحسین هاشمی از استانداری تهران به قائم‌مقامی وزیر رسید. عبدالله رمضانزاده در توئیتی انتقادی نوشت: «جابه‌جایی‌ها و انتصابات در وزارت کشور یک مضحکه تمام عیار است؛ قائم‌مقام، استاندار تهران و استاندار تهران، قائم‌مقام می‌شوند.»

این جمله برای وزارت کشور سنگین بود. بلافاصله در پاسخی که بر سایت وزارت هم قرار گرفت، ضمن توضیحاتی که درباره انتخاب استانداران و استفاده از تجربه آنها داد، مشخصا درخصوص جابه‌جایی در استانداری تهران پاسخ دادند که: «چه اشکال و ایرادی به این انتخاب می‌توان وارد کرد؟ چرا این انتخاب مضحکه تمام عیار است؟! به‌علاوه چه اشکالی به انتخاب جناب آقای مهندس هاشمی، به‌عنوان قائم‌مقام وزیر کشور، پس از پنج دوره نمایندگی مردم در مجلس شورای اسلامی، دو دوره ریاست یکی از مهمترین کمیسیون‌های مجلس، هشت سال خدمت به‌عنوان معاون وزیر و در نهایت، چهار سال استانداری تهران، وارد است؟ قطعاً حضور ایشان با این حجم از سوابق مؤثر در وزارت کشور که رویکرد اصلی خود را توسعه متوازن مناطق مختلف کشور قرارداده، از بهترین انتخاب‌ها در شرایط موجود بوده است.»

سیاست وزارت کشور در این جابه‌جایی‌ها چالش دیگری را نیز در پی داشته که به نظر می‌رسد می‌تواند زنگ خطری برای دولت باشد. تأکید در انتخاب استانداران معمولا براین است که افراد بومی اولویت داشته باشند، تا هم استان و منطقه را به‌خوبی بشناسند و با این شناخت بهتر بتوانند استان را اداره کنند و با مشکلات مواجه شوند. اما اتفاقی که رخ داده، آذری برای اداره استان اصفهان رفته، شمالی برای اداره هرمزگان، لر برای اداره کردها و... این رویه البته اعتراض نمایندگان استان‌های مختلف را به‌دنبال داشته است؛ اما دولت و وزارت کشور دفاع می‌کنند.

عبدالرضا رحمانی فضلی معتقد است: «در چرخش مدیریتی، تجارت مختلف منتقل و در شرایط جدید افراد تجربه‌های جدیدی را به‌دست می‌آوردند. در این چرخش‌های مدیریتی، نشاطی در همه مدیران استان‌ها ایجاد می‌شود و سعی بر این است از تلاش همه نیروها در نقاط مختلف کشور استفاده شود.» به گفته وزیر کشور: «در انتخاب استانداران معیارها تغییر نکرده، بلکه ارزیابی‌های چهار سال عملکرد آنها مؤثر بوده است.» این سخنان اما نتوانسته همه را راضی کند.

سیدجواد ابطحی، نماینده خمینی‌شهر از طرح استیضاح وزیر کشور در مجلس خبر داده و گفته: «توجه نکردن به عزل و نصب‌های اخیر مدیریتی در وزارت کشور، از جمله محورهای مهم این استیضاح است.»

دولتی‌ها هم البته متوجه تأثیر غیربومی بودن انتخاب استانداران برای استان هستند که رئیس‌دفتر رئیس‌جمهور گفته: «رئیس‌جمهور تأکید کرده‌اند خانواده استانداران نیز به‌همراه آن استاندار به آن استان بروند، چراکه ما استاندار پروازی نمی‌خواهیم و استاندار پروازی نمی‌تواند به‌درستی خدمت کند.»

یکی از انتقادات اصلی جریانات سیاسی به‌ویژه طیف اصلاح‌طلب به عملکرد دولت اول روحانی در حوزه سیاست داخلی برمی‌گشت. به اعتقاد صاحبنظران، تمرکز اصلی دولت در چهار سال اول بر مسئله سیاست خارجی و برجام بود که منجر به انفعال و اقدام مناسب در حوزه سیاست داخلی شد. بسیار امید بود که در دولت دوم روحانی به‌خصوص با وعده‌هایی که رئیس دولت درخصوص تغییر ساختار و تغییر در روند انتصابات می‌داد، اتفاقات مثبتی رخ دهد که نداده است.

اکنون وزارت کشور و دولت روحانی با این سؤال اساسی مواجه هستند که اگر استانداران قبلی خوب عمل کرده‌اند، چرا در همان استان ابقا نشده‌اند و اگر عملکرد قابل دفاعی نداشته‌اند، به چه دلیل به استان دیگر فرستاده شده‌اند؟ آیا استانداری که چهار سال در استانی در جنوب یا شرق کشور تجربه کسب کرده اکنون باید با آن تجربیات راهی غرب یا شمال کشور شود؟ با توجه به تصمیماتی که در وزارت کشور تاکنون رخ داده، به نظر نمی‌رسد وضعیت بهتری نسبت به دولت قبل روحانی در سیاست داخلی در انتظار باشد.

۱۶ مرداد ۱۳۹۶: نشست استانداران سراسر کشور با حضور معاون اول رئیس‌جمهور.
عکس: سروش سیدجمالی/ باشگاه خبرنگاران جوان

نام و نام خانوادگی	سمت قبلی	سمت فعلی
فریدون همتی	استانداری قزوین	استاندار هرمزگان
عبدالمحمد زاهدی	استاندار کردستان	استاندار قزوین
موسی خادمی	استاندار کهگیلویه و بویراحمد	استاندار لرستان
محمدمهدی مروج	معاون استاندار خراسان رضوی	استاندار خراسان جنوبی
اسماعیل تباردار	استاندار بوشهر در دولت هشتم	استاندار فارس
محمد احمدی	استاندار فارس	استاندار کهگیلویه و بویراحمد
محمدعلی نجفی	استاندار گیلان	استاندار البرز
مجید خدابخش	استاندار اردبیل	آذربایجان شرقی
قاسم سلیمانی	استاندار چهارمحال و بختیاری	استاندار ایلام
محمدحسین مقیمی	قائم‌مقام وزیر کشور	استاندار تهران
هوشنگ بازوند	استاندار لرستان	استاندار کرمانشاه
مصطفی سالاری	استاندار بوشهر	استاندار گیلان
عبدالکریم گراوند	معاون استاندار بوشهر	استاندار بوشهر
محمود زمانی‌قمی	استاندار مرکزی	استاندار یزد
محمدمهدی شهریاری	نماینده بجنورد در مجلس هشتم	استاندار آذربایجان غربی
بهمن مرادنیا	نماینده بیجار در مجلس هشتم	استاندار کردستان
سیدمناف هاشمی	معاون وزیر ورزش	استاندار گلستان
سیدعلی آقازاده	معاون وزیر ورزش	استاندار مرکزی
محسن مهرعلیزاده	مدیرعامل بنیاد اقتصادی کوثر	استاندار اصفهان
محمد اسلامی	معاون وزیر دفاع	استاندار مازندران
اکبر بهنام‌جو	معاون استاندار اردبیل	استاندار اردبیل

وزارت کشور با این سؤال اساسی مواجه هستند که اگر استانداران قبلی خوب عمل کرده‌اند، چرا ابقا نشده‌اند و اگر عملکرد قابل دفاعی نداشته‌اند، چرا به استان دیگر فرستاده شده‌اند؟

اخبار

نظر آملی لاریجانی در مورد سپنتا

رئیس قوه قضائیه به برخی مباحث که اخیرا درباره شورای نگهبان مطرح شده است اشاره کرد و درباره عضویت یک فرد غیرمسلمان در شورای شهر یا نهادهای حاکمیتی افزود: ورود شورای نگهبان به این موضوع و بررسی شرعی آن از ناحیه فقهای شورای نگهبان نه تنها هیچ اشکالی نداشته بلکه وظیفه فقهای شورای نگهبان است. برخی وظیفه شورای نگهبان را مقصور به مدت زمان مذکور در اصل ۹۴ قانون اساسی و صرفا در موعد قانونی مربوط به بررسی مصوبات مجلس شورای اسلامی می‌دانند و معتقدند که فقهای شورای نگهبان نمی‌تواند قانونی را که مثلا ۲۰ سال پیش به تصویب رسیده از لحاظ تطابق با شرع مورد بررسی مجدد قرار دهد و اعلام کند که بخشی از آن خلاف شرع است، در حالی که به عقیده اینجانب، این سخن کاملا نادرست بوده و حمله به شورای نگهبان صحیح نیست. تشخیص موارد خلاف شرع از سوی فقهای محترم شورای نگهبان هیچ محدودیت زمانی ندارد.

به گزارش خبرگزاری ایسنا، آملی لاریجانی افزود: وظیفه شورای نگهبان و اختیارات این شورا محدود به اصل ۹۴ قانون اساسی نیست بلکه اصل چهارم قانون اساسی مقرر می‌دارد که کلیه مقررات، قوانین و حتی خود اصول قانون اساسی باید منطبق با موازین اسلامی باشند و مرجع تشخیص این امر را هم به فقهای شورای نگهبان اعلام کرده است. اینکه بخواهیم خلاف شرع مذکور در اصل چهارم قانون اساسی را از طریق اصل ۹۴ اعمال کنیم یک اشتباه قطعی است. آملی لاریجانی در ادامه سخنان خود با اشاره به گزارش گزارشگر ویژه حقوق بشر ایران، محتوای این گزارش را همان مطالب و اتهامات تکراری علیه نظام جمهوری اسلامی به نقل از منابع ضدانقلاب و منافقین دانست و خاطرنشان کرد: دراین گزارش می‌بینیم افرادی که به اتهام جاسوسی محاکمه و محکوم شده‌اند و همچنین منافقینی که علیه نظام و مردم دست به ترورهای گسترده زده‌اند مورد حمایت قرار گرفته‌اند و ادعاهای کذب راجع به برخی اعدام‌ها که یا اساسا صورت نگرفته یا دلیل اجرای آن اعمال حق قصاص بوده است دوباره مطرح می‌شود.

طرح رجیستری تلفن همراه سه‌شنبه در مجلس بررسی می شود

عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی اعلام کرد که این کمیسیون امروز، سه‌شنبه نحوه اجرای طرح رجیستری تلفن همراه را بررسی می کند.

سید حمیده زرآبادی مستقر در بیست و سومین نمایشگاه مطبوعات و خبرگزاری‌ها افزود: به علت بروز یک سری مشکلات در اجرای طرح رجیستری قرار است امروز محمد جواد آذری جهرمی وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات درباره این طرح به کمیسیون توضیح دهد.

نماینده مردم قزوین خاطرنشان کرد: ما از اصل اجرای طرح رجیستری حمایت می کنیم اما معتقدیم مشکلات آن باید برطرف شود.

وی یادآور شد: پیش از این نیز طرح رجیستری در کشور اجرا شده که خروجی مشخصی را در برداشت لذا درباره چگونگی اجرای این طرح قرار است موضوع فردا در کمیسیون صنایع مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

زرآبادی در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به رأی اعتماد نمایندگان در هفته جاری به دو وزیر پیشنهادی نیرو و علوم، تحقیقات و فناوری تاکید کرد که فراکسیون امید از همبستگی خوبی در میان اعضای خود برخوردار است.

وی افزود: در دوره‌های قبل، دو فراکسیون سیاسی اصلی در مجلس وجود داشت ولی در این دوره سه فراکسیون سیاسی اصلاح‌طلبان، اصولگرایان و مستقل شکل گرفته‌اند که هر یک اثرگذاری خوبی در تصمیمات مجلس دارند.

این عضو فراکسیون امید در باره چگونگی رأی فراکسیون متبوعش به منصور غلامی وزیر پیشنهادی علوم اظهار داشت: به دلیل وجود نظرات موافق و مخالف در فراکسیون، به جمع‌بندی و نتیجه واحدی نرسیدیم و مقرر شد هر نماینده‌ای به صورت مستقل رأی خود را در این باره ارائه کند.

احزاب

تلاش‌ها برای رفع اختلافات ادامه دارد

جمنا و راه دشوار هماهنگی

جامعه فردا– هنوز مدت زیاد تا انتخابات باقی‌مانده است، اما به نظر می‌رسد اصولگرایان از همین الان هم به فکر افتاده‌اند. به فکر سازوکاری برای اجماع بین تشکل‌ها و شخصیت‌های اصولگرا. نیروهایی که با تشکیل جبهه‌های مختلف پراکنده شده‌اند و شاید باید برای کاهش شکاف‌های درونی، از همین الان برای انتخابات سال ۹۸ مجلس شورای اسلامی و برای رسیدن به لیست واحد، گام‌های عملی بردارند.

روز گذشته یکی از اعضای شورای مرکزی جمنا از تلاش این تشکل برای رایزنی بیشتر با جبهه پایداری و آغاز گفت و گوها با این جبهه خبر داد. یحیی آل اسحاق درعین حال که از ارزیابی اقدامات و رویکرد جمنا سخن گفت اما باز هم بر محوریت این تشکل تازه‌تأسیس تأکید کرد.

این فعال اصولگرا در پاسخ به این سوال که آیا تمامی گروه‌های اصولگرا محوریت جمنا را خواهند پذیرفت؟ به ایلنا گفته است: ما امیدوار هستیم براساس بررسی‌ها و رایزنی‌هایی که انجام می‌دهیم همه گروه‌ها و طیف‌های جریان اصولگرایی را ذیل جبهه مردمی گردهم بیاوریم و پوشش بدهیم.

هرچند که آل‌اسحاق از رایزنی با تشکل‌های مختلف سخن می‌گوید و نسبت به ائتلاف همه‌گیر در جبهه اصولگرایی اظهار امیدواری می‌کند، اما همچنان بر محوریت جمنا تأکید دارد و برای گردهم آوردن احزاب اصولگرا زیر چتر این تشکل اظهار امیدواری می‌کند. او امیدوار است که جبهه پایداری هم حاضر به همکاری با جمنا شود و سایر تشکل‌ها و احزاب اصولگرا نیز زیر چتری واحد قرار گیرند و نیروها همدل و هماهنگ شوند.

محوریت اصولگرایان محل مناقشه است. سال هاست که این موضوع در هر انتخابات سر باز می‌کند و مانع رسیدن آنان به لیست یا کاندیدایی واحد می‌شود. محوریتی که سال‌های سال با جامعتین (جامعه روحانیت مبارز و جامعه مدرسین حوزه علمیه قم) بود و اکنون با وجود تلاش‌های فراوان احزاب سنتی این طیف، آن را از دست داده‌اند. آغاز این روند از سال ۸۴ و انتخابات ریاست‌جمهوری نهم آغاز شد. انتخاباتی که تعدد کاندیداها در دو طیف سیاسی کشور به پیروزی محمود احمدی‌نژاد انجامید. آن زمان شورای هماهنگی اصولگرایان متشکل از شخصیت‌های بانفوذ این جریان نتوانستند بقیه تشکل‌ها را به حمایت از کاندیدای مورد نظر خود قانع کنند و این نخستین شکست آنها در این عرصه بود. شکستی که عواقب بدی به همراه داشت و از آن پس چند دستگی در میان آنان افزایش یافت. احزاب اصولگرای سنتی و عقلای آنان سعی بسیاری برای گردهم آوردن دوباره اصولگرایان کردند، اما تسبیح پاره شده بود و دیگر با سربرآوردن جریاناتی مانند طرفداران احمدی‌نژاد و جبهه پایداری، عملا بن‌بست نزدیک‌تر می‌شد.

انتخابات مجلس نهم اوج این چنددستگی بود. جبهه متحد اصولگرایی با محوریت جامعتین فعالیت می‌کرد، جبهه پایداری داعیه‌دار محوریت آیت‌الله مصباح‌یزدی شده بود و جبهه ایستادگی با مرکزیت محسن رضایی و سخنگویی محمود علوی، وزیر کنونی اطلاعات هم برای حضور در لیست تلاش می‌کرد. در این میان جبهه ایستادگی موفق نشد حتی یک نفر از اعضای خود را به لیست جبهه متحد بفرستد و جبهه پایداری هم که خود را مدافع احمدی‌نژاد منهای مشایی می‌نامیدند، حاضر نشدند با جبهه متحد اصولگرایی یک لیست مشترک ببندند.

هرچند که آنان توانستند در نهایت اکثریت کرسی‌های مجلس را در دست گیرند، اما این اختلافات نه تنها به جای خود ماند و حل نشد، که حتی کار به بزرگان طیف هم رسید. آیت‌الله مصباح‌یزدی پدر معنوی جبهه پایداری هم دیگر مدعای محوریت داشت و در برابر مرحوم آیت‌الله مهدی کنی و آیت‌الله محمد یزدی دست به کار شده بود.

این مشکلات در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۹۲ هم ادامه پیدا کرد و باز هم صدای پرطمطراق داشتن محوریت در بین جبهه‌های اصولگرایی شنیده شد. باز هم سنتیان به میان آمدند و خواستار وحدت زیر بیرق جامعتین شدند اما این فرماندهان دیگر کنترلی روی سربازان نداشتند.

سعید جلیلی از سوی جبهه پایداری آمد و مورد حمایت تمام قد مصباح‌یزدی قرار گرفت، علی اکبر ولایتی از سوی سنتیان این طیف یعنی جبهه پیروان خط امام و رهبری و جامعتین به میدان آمد، محسن رضایی نیز از جبهه ایستادگی وارد گود انتخابات شد. این انتخابات اما چهره دیگری هم داشت. محمدباقر قالیباف که اینک از نواصولگرایی سخن می‌گوید و به دنبال ایجاد جبهه دیگری حول محور خویش است.

اوضاع اصولگرایان به همین منوال پیش رفت و اکنون تشکل دیگری به‌نام جمنا (جبهه مردمی نیروهای انقلاب) متشکل از شخصیت‌هایی که نه به جبهه پایداری تعلق خاطری دارند و نه به احزاب سنتی اصولگرایان وابستگی؛ در آن جمع شدند و می‌خواهند تشکل‌های دیگر را زیر چتر خود بگیرند و محوریت را در دست داشته باشند.

آل‌اسحاق از اعضای شورای مرکزی این تشکل اکنون درحالی از آغاز گفت‌وگوها با جبهه پایداری برای رسیدن به راه حل مشترکی خبر می‌دهد که سنتیان طیف محافظه کار هم دل‌خوشی از آنان ندارند و بارها در سخنانی از عدم محوریت جمنا حرف زده‌اند و گفته‌اند که جمنا همه تشکل‌های اصولگرا را پوشش نمی‌دهد.

جمنا راه سختی برای همراه ساختن دو جریان اصولگرا پیش‌رو دارد. از یکسو جبهه پایداری و از سوی دیگر احزاب و تشکل‌های سنتی مانند جامعتین و جبهه پیروان خط امام و رهبری، اما با این حال همه این طیف‌ها به خوبی می‌دانند که تنها راه شان برای راهیابی به مجلس آینده، اتحاد است، اگرنه تجربه تلخ سال ۸۴ و پیروزی احمدی‌نژاد نشان داد که دور ماندن عقلای ریش سفید و عدم وجود خرد جمعی برای حمایت از کاندیداهای واحد، می‌تواند منجر به معضلات بیشتری شود.